



۲۰۱۸/۱۰/۲۸

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

اظہار احترام و امتنان !!

با ابراز شکران از دوستان خیلی ارجمند و قدرانم، در تجلیل از روز تولدم که اینک سیر نزولی را طی می کند، جناب ولی احمد نوری گرداننده وبسایت وزین و پرمحتوای «آریانا افغانستان آنلاین» و نویسنده موشگاف و پرکار در فرهنگ دری، محترم خلیل الله معروفی که با نوشته های آموزنده، می کوشند خدمتی با ارزشی در زنده نگهداشتن زبان دری در وطن، انجام بدهند، چنانکه خدمات خیلی شایسته و ارزنده ای در این راه کرده اند و می کنند.

«معروفی» عزیز ضمن شفقت و بزرگواری از منظومه ای یاد کرده و به نشر سپرده اند که مرحوم «تیمور شاه تیموری» شاعر شیرین کلام، به نام این عاجز سروده اند و در ضمن استقبالیه خود را نیز به نشر سپرده اند که مایه خرسندی و مسرت بی پایانم گردید. از آنجا که من نیز از این سروده های ناب استقبال کرده ام، اینک به سلسله آن، منظومه خود را که در آن ایام انتشار یافته است، با پیشگفتارش تقدیم می کنم.

سروده بزرگوار قدرانم، جناب تیموری صاحب، در توصیف از این هیچمدان، شام ۱۷ اگست، طی محفل شانرداری که از طرف پورتان مبارز و محبوب افغانستان آزاد، آزاد افغانستان در شهر فرانکفورت برگزار شده بود و به افتخار آن از عزیز القدرم خلیل جان معروفی، مرا بران داشت تا با سروده ای به همان قافیه و ردیف، از ایشان اظہار شکران و سپاس نمایم :

هنوز در صف افتادگی ست، نام اسیر
که نا رساست درین کوره راه، گام اسیر
اگرچه رایحه ای نیست در کلام اسیر
معطر است از آن عطر گل، مشام اسیر
به شیوه ای برسد این چنین پیام اسیر
به تیموری و «حبیب زی» دو صد سلام اسیر
که هست «ناظم» اشعار همکلام اسیر

به اوج شهره رساندند اگر مقام اسیر
نمی رسد به ادبگاہ دوستان قدمش
ستوده اند بسی، تیموری و معروفی
مرا به دسته گل شعر تر نواخته اند
خوش آنکه در حرم دوستان قدر شناس
عزیز و موسوی، «نسرین»، «خلیل معروفی»
زمهر «باختری» هم به خویش می بالم

دلش به حلقه زنجیر دوستان بند است پراست از می الفت هنوز جام اسیر
ز خط مهر و محبت، برون نخواهد رفت که بسته با رسن دوستی نیام اسیر
برون ز حلقه عشق وطن نیارد پای بدین خیال بود، فکر صبح و شام اسیر

ز راه و رسم محبت، تواز «اسیر» می‌رس
که عشق نام اسیر است و شعر دام اسیر

م. نسیم «اسیر» ۲۵ اگست ۲۰۱۳م، فرانکفورت

